از یك کرور بشود مثلا انبار ۳۸ هزار تومان بودجه داشته است و بنده یك ترتیبی داده ام که بیش از شش هفت هزار تومان نشود قبل از گذشتن بودجه باید اقدامی کرد که در ماه مبلغ کلی از هر راه بدولت فایده برسد و اجراء تاسیساتی هم که جدیدا شده است مخالف با منافع دولت نخواهد بود بعلت اینکه از کلیه بودجه یك وزارتخانه که ٤ کرور بوده است و حالیه بیك کرور رسیده است مسلما صرفه دولت اجازه میدهد که در مقابل اینهمه تفاوت یککمیسیون تطبیق جوالجاتی که فرضاً ده هزار تومان بودجه آن میشود تشکیل بشود و دراینصورت برای دولت فرقی حاصل نمیشود و عاقبت برای دولت منفعت خواهد بود.

رئیس - آقای شیخ الملك باپیشنهاد مخالفید؟

شیخ الملك - بلی بنده دوسه کلمه اطلاعات خودم را راجع بعدلیه برای جلب توجهات آقایان نمایندگان میخواهم عرض کنم

رئیس - عرض میکنم باپیشنهاد آقای سردار معظم مخالف هستید یا موافقید؟

شیخ الملك بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

شیخ الملك - بنده گمان میکنم اختلاف نظری که در دوجلسه قبل و امروز بظهور رسیده فقط از نقطه نظر مراعات صرفه دولت است بنده هم کاملا با این نظر مخالفم ولی اطلاعات کامله بنده که هشت سال خدمت عدلیه کرمان و فارس واصفهان را داشتم بمن اطمینان میدهد که عایدات عدلیه هر ایالت و ولایت زیاد تر از آن بودجه است که در کمیسیون تصویب شد.

رئیس - از موضوع خارج است راجع بودجه مملکتی صحبت میشود نه بودجه عدلیه.

آصف الممالك - پیشنهاد آقای سردار معظم دو جزء دارد یك جزء آن اینست که اظهار میکنند تاسیسات جدید را کمیسیون بودجه نمیتواند بدون نظر مجلس در آنها نظر کنند و تصویب نماید بنده عرض میکنم بودجه عدلیه یکی از تأسیسات قدیم است ...

رئیس - عرض کردم راجع به بودجه عدلیه نیست این مذاکرات راجع به بودجه مملکتی است

آصف الممالك — بالاخره راجع به عدلیه می شود.

رئیس - بالاخره راجع بعدلیه و پست و تلگراف و مالیه و خارجه و تمام وزارتخانه میشود.

آصف الممالك - عجالتاً در بودجه عدلیه مذاکره میشود.

رئیس — موضوع مذاکره بودجه مملکتی است و چندین دفعه هم عرض کردم اینکه داخل در ترتیبات بودجه عدلیه میشوند از موضوع خارج است ولی چون در پیشنهاد آقای سردار معظم مخالفی نیست باید رای بگیریم به پیشنهاد قرائت می شود ورای میگیریم.

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای سردار معظم آقایانیکه تصویب میفرمایند قیام نمایند

(عدهٔ کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در دستور دیگر مطلبی نیست یك فقره سؤال آقای حاج شیخ یوسف از آقای وزیر مالیه دارند قبلا گویا ایشان را مسبوق کرده اند و آقای وزیر مالیه هم گویا برای جواب حاضر هستند.

حاج شیخ یوسف - فقط عرض بنده در موضوع یك تلگراف است که بتوسط بنده باعلیحضرت اقدس همایونی و وزیر داخله و هیئت وزراء رسیده است و بایشان و به آقای وزیر مالیه هم تقدیم کرده‌ام.

رئیس - چه فرمودید؟

حاج شیخ یوسف - عرض کردم از چند روز قبل یك تلگرافی از اهالی کازرون باعلیحضرت اقدس همایونی و هیئت وزراء رسیده بود چون راجع بمالیه بود خدمت آقای وزیر مالیه ارائه دادم حالا سؤال میکنم که چه اقدام کرده‌اند؟

رئیس - راجع به بیست و پنجهزار تومان؟

حاج شیخ یوسف - بلی

وزیر مالیه — در این موضوع در هیئت وزراء مذاکره شد و برای ضیق مالیه تخفیف دادن بیست و پنجهزار تومان را نتوانستیم تصویب کنیم ولی عجالتاً تصویب شد که یکهزار تومان مالیات اصناف آنجا راموقوف المطالبه بگذارند تا در این موضوع قراری داده‌شود

ارباب کیخسرو - اصل موضوع معلوم نیست

وزیر مالیه - موضوع در این است که در هیئت وزراء سابق تصویب شده بود که بیست و پنجهزار تومان برای غارت زدگان گازرون تخفیف داده‌شود و این تخفیف در این دو ساله بموقع اجراء نرسیده بود و پیشکار مالیه ازاصناف مطالبه مالیات کرده است اصناف تلگراف کرده‌اند که ما غارت زده‌ایم و نمیتوانیم از عهده مالیات برائیم و تقاضا کرده بودند که تلگراف شود مالیات مطالبه نشود تصمیم هیئت وزراء این شد که عجالتاً بگوئیم هزار تومان که مالیات آنها میشود موقوف المطالبه باشد تا قراری در این کار داده شود

رئیس - چون مطلب دیگری در دستور نیست اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینده روز سه شنبه صبح سه ساعت بظهر مانده موضوع مذاکره مواد قانون تشکیلات مالیه که بکمیسیون ارجاع شده‌است

چند فقره استعفاء است که باید بعرض آقایان برسد آقای ارباب کیخسرو از کمیسیون رسیدگی بحساب خزانه داری و همچنین آقای معدل‌الدوله بملاحظه اینکه در کمیسیون بودجه دولتی هستند از این کمیسیون استعفاء داده اند و آقای آقا شیخ یحیی کرمانی بواسطه کسالت مزاج از کمیسیون پست و تلگراف استعفا داده اند و سابقا هم عرض کردم آقای طباطبائی از کمیسیون مالیه و خارجه بواسطه کسالت استعفاء داده اند پنجنفر امروز باید تعیین بفرمائید نظار را تعیین میکنیم که وقتیکه تشریف بردید این عده را انتخاب نمائید

(آقایان حاجی میرزا اسدالله‌خان عمادالسلطنه)

(بحکم قرعه برای نظارت در استخراج آراء تعیین شدند)

رئیس - یك قسمت از قانون پستی که راجع بمجازات بود ارجاع شد بکمیسیون سایر قسمتهای آن قانون برای شور دوم حاضر است ولی آن قسمتی که راجع است بمجازات همانطور مانده است وجلسه آتیه هم که شور در قانون تشکیلات مالیه تمام شد مطلب دیگر نخواهد ماند مگر همان قانون پستی از آقایانیکه بمواد راجعه بمجازات میخواهند رسیدگی کنند خواهش میشود که هرچه زودتر راپورت خودشان را بدهند که مجلس معطل نشود و همچنین راجع بقانون عوارض دخانیات خواهش میشود عجله بفرمائید که زودتر راپورتش بمجلس داده شود.

(مجلس تقریباً مقارن غروب ختم شد)

جلسه ۴۳

صورت مشروح مجلس روز ۳ شنبه ۱۷ شهر رجب ۱۳۳۳

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱ شنبه پانزدهم قرائت گردید

غائبین بدون اجازه آقای حاجی امام جمعه و آقای حاج شیخ اسماعیل

با اجازه آقایان سردار سعید - طباطبائی -

نایب رئیس — نظریاتی در صورت مجلس هست؟ (اظهاری نشد) نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد چند ماده از قانون تشکیلات مالیه رجوع شده بود بکمیسیون و فعلا راپرت آن از کمیسیون رسیده‌است شروع می کنیم بخواندن آنها.

(ماده ٤) - بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ٤ - رؤسای ادارات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ٤ و ٥ و ٦ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مالیه و بتصویب هیئت وزراء بصدور فرمان همایونی منصوب می‌شوند

نایب رئیس — مخالفی نیست (اظهاری نشد) پس رای میگیریم بماده (٤) با اصلاحی که در کمیسیون شده آقایانی که موافق هستند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس — با کثریت تصویب شد - ماده ۱۱ خوانده می‌شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۱۱) - اصول وظایف خزانه داری کل از قرار ذیل است (۱) جمع آوری و تمرکز تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولت و آنچه را که بموجب قراردادها و امتیازات بدولت باید عاید شود (۲) تأدیه مخارج مملکتی مطابق حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مالیه در حدود مقرره قانون -

۳ - دادن صورت کل عایدات ماخوذه باداره محاسبات در آخر هر برج.

نایب رئیس - در فقره اول مخالفی هست (اظهاری نشد) در قسمت دوم هم مخالفی نیست — در قسمت سوم هم گویا مخالفی نباشد پس رأی می گیریم بماده ۱۱ آقایانی که تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود.

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۱۱ - تصویب و ماده ۱۸ بمضمون ذیل خوانده شد.

ماده ۱۸ - مدعی‌العموم و اعضاء محکمه مالیه مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

نایب رئیس - در ماده ۱۸ با این اصلاحی که شده مخالفی هست اظهاری نشد رای میگیریم

آقایانی که ماده ۱۸ را تصویب میکنند قیام نمایند

اغلب قیام نمودند

نایب رئیس - اکثریت است ماده ۲۴ خوانده می شود.

بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۲۴ - مدعی العموم مامور حفظ منافع مالیه مملکت بوده و مکلف است که اظهار عقیده نماید ولی در رأی محکمه شرکت نمیکند

نایب رئیس - مخالفی هست اظهاری نشد رأی میگیریم بماده ۲۴ با این اصلاحی که شده است آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

اغلب نمایندگان قیام نمودند

ماده ۲۶ بمضمون ذیل قرائت شد.

ماده ۲۶ - حقوق محاکمه صدی پنج مدعی به است که از محکوم علیه اخذ میشود و صدی یک مدعی به در حین دادن عرضحال عارض بصندوق پرداخته قبض صندوق را بعرض حال خود ضمیمه می کند وجه مزبور درصورتیکه عارض مطابق حکم قطعی محق درآمد باو مسترد میشود.

حاجی شیخ محمد حسن گروسی — دراین ماده بنده پیشنهادی کرده بودم وفقراتی در پیشنهاد من نوشته شده است تقاضا میکنم آن فقرات قرائت ورأی گرفته شود

مخبر — پیشنهادیکه شده بود منحصر به پیشنهاد آقا نبود وآقای مدرس هم در این زمینه پیشنهاد فرموده بودند وهمچنین یکی دونفر از آقایان دیگر آنچه بنظر بنده می آید یك قسمت از پیشنهاد آقا راجع بحذف این ماده است که نمی شود رأی گرفت و یك قسمت دیگر چون این ماده مربوط بماده ۳۳ بوده وبآن ماده در مجلس رای داده شده بود لهذا کمیسیون نتوانست در این ماده نظر کند پس طبعاً آن قسمت ازاین پیشنهاد هم خارج میشود ودر فقره دیگر در کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای مدرس وبعضی از آقایان دیگر مذاکره شد وآقایان متقاعد شدند که همینطور که نوشته شده است بهتر است که درموقع دادن عرضحال بکلی عرضحال را مجانی نباید قبول نمود و باین ترتیب تصویب شد و این دفعهٔ سوم و چهارم است که در این ماده مذاکره می‌شود ودلایلی که باید گفته شود گفته شده وبالاخره تصورمی کنم اخذ صدی یك مدعابه مورد هیچ اشکالی نباشد

حاج شیخ محمد حسن گروسی — بنده قانع نشدم لهذا تقاضا می کنم که پیشنهاد بنده خوانده شود

حاجی عزالممالك — خوب است آقا درپیشنهادخودشان قدری دقت فرمایند اینکه نوشته‌اند راساً این ماده حذف شود گمان می کنم لازم نباشد بجهة اینکه اگر آقایان نمایندگان بااین ماده مخالف باشند رأی نمیدهند وبالطبع حذف می شود وقسمت دیگرش که نوشته‌اند برای تجدید نظر حقی اخذ نشود این ماده هم در مجلس رأی داده شده است و نمی توانستیم در کمیسیون مذاکره کنیم بجهة اینکه رأی قطعی از برای تجدید نظر داده شده بود ویك قسمت از پیشنهاد ایشان ممکن بود که در کمیسیون محل ملاحظه شود وآن راجع صدی پنج بود که آقا نوشته‌اند حذف شود در کمیسیون مذاکره شد چنانچه آقای مخبر فرمودند آقای مدرس هم تشریف داشتند و بالاخره مبدل شد بصدی یك که از بابت خرج محاکمه بدهند واین مبلغ جزئی را ما دیدیم مانع از برای دادن عرضحال نیست و مخصوصاً این ماده بیشتر از برای اشخاص مشمولی است که نمی خواهند مالیات بدهند آنوقت عرضحال می دهند تاجواب قطعی بآنها داده نشود از پرداخت مالیات مضایقه می کنند این مطلب را آقایان متوجه باشند اگر کسی فرضاً برای پنج تومان بخواهد محاکمه بکنند صد یك آن چیزی نخواهد بود ولی اگر یك مالیات بده عمده بخواهد از دادن بیست هزار تومان یاسی هزار تومان مالیات طفره بزند عریضه می دهد و مابیش از محکوم شدن هم که نمی توانیم ازاو مالیات مطالبه بکنیم آنوقت اسباب ضرر دولت خواهد شد پس دراین صورت این مخارج محاکمه باین ترتیب که نوشته شده است ضرری نخواهد داشت که مایك همچو حقی را بگذاریم که او قبلا بسنجد وبه بیند اگر در عرضحال خودش محق است عرضحال بدهد و البته بعداز ثبوت باو مسترد میشود واگر خودش را محق نمی داند بواسطه این که باید یك پولی بدهد از پرداخت آن پول مضایقه می کند و بواسطه دادن عرضحال بی معنی از دادن مالیات طفره نمی زند و برای جلوگیری ازاینمطلب بنظر کمیسیون صلاح این بود که از برای خرج محاکمه حقی نوشته شود که عارض در موقع دادن عرضحال حقی بدهند و قبل از دادن عرضحال فکر بکند وعرضحال صحیح بدهد.

مخبر - علی الخصوص که در تکمیل فرمایشات آقای حاج عزالممالك لازم میدانم عرض کنم اگر بماده ۳۳ مراجعه کنند این اشکالات بکلی مرتفع میشود معلوم است که مجلس شورای ملی وقتی که رائی میدهد باید گفت ازروی یك اصولی رأی میدهد و باید آن اصول در تمام مواد ملحوظ شود و اگر بگوئیم در مواد قانون باید رأی اتفاقی داده شود و این خیلی بد است بهرحال در ماده ۳۳ برای تجدید نظر که یك کار سهل تری است گفتیم قبلا صدی دو اخذ بشود حالا شما میفرمائید از برای خود محاکمه قبلا چیزی دریافت نشود این مطلب باماده ۳۳ بکلی مغایرت دارد پس اگر بخواهم این اصل در هر مورد ملاحظه شود اقلا از برای مخارج محاکمه صدی یك و از برای تجدید نظر صدی دو قرار دهیم و این هم خیلی صحیح است و هیچ ضرری ندارد.

حاجی شیخ محمد حسن گروسی — این فرمایشات بنده را متقاعد نمیکند استدعا میکنم پیشنهاد های بنده خوانده شود و رأی گرفته شود ولو اینکه قابل توجه نشود وهیچ رأی ندهند

نایب رئیس - گمان نمیکنم این قسمتها را بتوان رأی گرفت زیرا مجلس قبلا رای داده است پیشنهاد مخالف آنها است و دوباره نمیتواند رأی بدهد ولی در قسمت اخیر باید تکلیف او معین شود

مخبر - این عرضی که بنده میکنم برای متقاعد کردن یکنفر نیست برای این است که نمایندگان کلیتاً بدانند که رأی در این پیشنهاد برخلاف آنچه تصویب کردند خواهد بود

نایب رئیس - در صورتی که ماده ۳۳ تصویب شده است موقعی باقی نمیماند پس چیزیکه در پیشنهاد ایشان باقی میماند آن قسمت اخیر است خوانده می شود و رأی میگیریم

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل خوانده شد)

این اول نسبت بماده (۲۶) سه فقره پیشنهاد مرتباً مینمایم فقره اولی آنکه این ماده راساً محذوف شود و فقره ثانیه از کلمه رابع این مبلغ راتا لفظ مسترد شود حذف گردد فقره ثالثه از برای تجدید نظر حقی اخذ نخواهد شد باقی بماند

نایب رئیس - توضیحی دارید

حاج شیخ محمد حسن گروسی - خیر

نایب رئیس - اشخاصی که با پیشنهاد آقای حاجی شیخ محمد حسن موافقند رای خودشان را بقیام و قعود اظهار خواهند فرمود

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد

حاج شیخ محمد حسن - اجازه میخواهم

نایب رئیس — در خود ماده باید مذاکره بکنید.

حاجی شیخ محمد حسن - بلی عرض میشود که این ماده که باین طریق اصلاح شده است اول این طور بود که حقوق محاکمه صدی پنج مدعابه است که از محکوم علیه اخذ میشود وربع این مبلغ را در حین دادن عرضحال بصندوق بعرضحال خود ضمیمه میکند و در این ماده که اصلاح شده مینویسد حقوق محاکمه صدی پنج مدعابه است که از محکوم علیه اخذ میشود وصدی یك مدعابه رادر حین دادن عرضحال بصندوق پرداخته میشود مقصود از این اصلاح در معنی این بوده که یك قسمت از صدی پنج را قبلا عارض بدهد ولی این عبارت موهم اینست که یك صدی یك بعلاوه آن صدی پنج علیحده قبلا مقرر شده در حالیکه این صدی پنج است خوب است این عبارت را تبدیل کنند بخمس صدی پنج که مطابق مقصود باشد و موهم این مسئله که عرض کردم نباشد.

مخبر - در معنی فرق نمی کند برای اطلاع خاطر نمایندگان عرض میکنم که اگر ماده ۳۳ باین ماده ضمیمه شود اشکالی پیش نمیآید ووقتی که این دوماده را باهم ملاحظه کنند این اشکال ممکن نیست تولید شود زیرا درماده ۳۳ میگوید برحسب تقاضای محکوم درصور مذکوره در راپورت تجدید نظر میشود وبرای تقاضای تجدید نظر علاوه برصدی پنج حقوق محاکمه صدی دو قبلا ازعارض اخذ میشود پس وقتیکه این هردو ماده را پهلوی هم بگذاریم این اشکال ابداً وارد نیست و قویاً میرساند که برای محاکمات بدایتی صدی پنج اخذ می‌شود و برای تجدید نظر صدی دو لهذا هیچ قابل تردید نیست که بگوئیم یك صدی یك ابتداء اخذ میشود وصدی پنج هم پس از محکوم شدن.

حاجی شیخ محمد حسن — بنده عرض میکنم فقط باید ماده طوری باشد که عبارتش وافی باشد و مورد توهم نشود البته این عبارت که بنده عرض میکنم اصلاح و اولی است اینکه فرمودند بنده هم قبول دارم ولی اگر اینماده را من حیث و ذاته بنویسند قطع نظر از آن ماده آن مقصود را نمیرساند و به این عبارت که مرقوم فرمودند گاه

میشود که علاوه برصدی پنج یك صدی یك دیگرهم اضافه شود و اینکه فرمودند باوجود آن ماده رفع اشکال میشود صحیح است ولی اگر مستقیماً بخواهیم از اینماده مطلبی پیدا کنیم نمی‌شود باید بضمائم مقصود را عمل بیاوریم در این دو صورت اگر این عبارت نوشته شود البته اولی است.

مخبر - برای اینکه در لفظ این قدر مذاکره نشود بنده قبول میکنم که همانطور لفظ خمس صدی پنج نوشته شود هیچ اشکالی ندارد.

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم چنانچه درشور اول هم راجع بهمین مطلبی که آقای آقاشیخ محمدحسن فرمودند.

نایب رئیس - اگر همین مسئله آقای حاجی شیخ محمدحسن است که مخبر قبول کردند و تمام شد ماده ۲۶ با این اصلاح عبارتی خوانده میشود ورأی میگیریم (قرائت شد).

نایب رئیس - آقایانی که ماده ۲۶ را بااین اصلاحی که شده است تصدیق میفرمایند قیام نمایند

اکثر نمایندگان قیام نمودند ماده مندرجه ذیل قرائت شد

ماده العاقبه بعداز ماده ۳۹ - تجدید انتخاب اعضاء کمیسیون مزبور راوزیرمالیه درظرف یکماه قبل از انقضاء مدت مذکوره در ماده فوق بمجلس پیشنهاد میکند و با انتخاب اعضاء جدید کمیسیون همان اعضاء سابق در مأموریت خودباقی خواهندماند

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم در اینماده العاقبه آقایانی که این ماده را تصویب می فرمایند قیام نمایند

غالبا قیام نمودند

نایب رئیس - تصویب شد. ماده ۵۹ خوانده می شود

ماده (۵۹) در صورت عدم موافقت باراپورت مجلس مزبور و وزیر مالیه در ظرف پانزده روزاز تاریخ صدور راپورت می تواند حکم بتجدید نظر کند و پس از رسیدگی ثانوی رأی مجلس مشاوره عالی قطعی ولازم الاجرا است

نایب رئیس - مخالفی هست (مخالفتی نبود) آقایانی که ماده ۵۹ را تصویب می فرمایند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - باکثریت تصویب شد ماده (۶۸) قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۶۸) - پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امناء مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه‌داری کل و حکم وزارتی معین می شود وزیر مالیه مختار در رد پیشنهاد بوده می تواند حکم به تجدید پیشنهاد نماید ولی اگر تا دو دفعه موافقت نظر حاصل نشد تعیین مأمور بکمیسیونی مرکب از رؤسای ادارات تشخیص عایدات وخزانه - دارکل ومحاسبات کل عدلیه در تحت ریاست وزیر مالیه واگذار می شود و آن رأی قطعی است در صورت تساوی آراء درهر طرف که رأی وزیرمالیه باشد آن رأی قاطع است

حاج شیخ اسدالله — راجع بتعیین پیشکاران وامنای مالیه یك نظریاتی بود تقریباً بیك طوری اصلاح شد و لیکن راجع بمأمورین جزء ایالات وولایات درخارج یك مذاکره شده بود وبنابود بهمان ترتیبی که درخارج قطع شد آقای مخبر بمجلس پیشنهاد بفرمایند این راپورتی که فعلا آمده است تعیین پیشکاران وامناء مالیه راممین کرده ولی تکلیف رؤسای جزء ایالات و ولایات را معین ننموده است و فقط در آخر ماده العاقبه یك چیزی در شرائط استخدام مأمورین جزء می‌نویسد وبنده تصور میکنم که اگر بخواهیم قناعت کنیم بهمین فقره اخیر یعنی ماده العاقبه خیلی اسباب زحمت برای پیشکاران و امنای مالیه خواهد شد زیرا نظامنامه که میخواهند بنویسند شاید ششماه طول بکشد واین نظامنامه نوشته نشود وتکلیف رؤسای جزء ولایات معلوم نباشد و بنده عبارتی نوشته بودم که ملحق باین ماده بشود و درحضور بعضی ازآقایان قبلا مذاکره کردیم ومطلب قطع شد نمیدانم چه شده که تردیدی برای آقای مخبر حاصل شده است و آن این بود که تعیین رؤسای جزء ایالات و ولایات را موکول به پیشنهاد رئیس متبوع آنها و تصویب وزیر قرار دادیم و برای اینکه بعد از گذشتن این قانون بموقع اجراء گذارده شود که هم نقصی دراین قانون وارد نشده باشد و هم زحمتی تولید نشود بنابراین بنده استدعا میکنم باین پیشنهادی که بنده کرده ام رأی گرفته شود که تکلیف مأمورین جزء ایالات و ولایات هم معین شده باشد و موکول بیك قانونی که بعدها نوشته میشود نباشد

مخبر - اولا یك قسمت اظهارات ایشان شخصی بود که قبلا باید عرض کنم همکار محترم من که خودشان هم مخبر بوده اند باید بدانند که مخبر نماینده افکار هیئت است شاید خودمن در بعضی ازاین موارد رأی ندادم وعقیدهٔ شخصی خودم دربعضی ازمواد موافقت نداشت ولی مجبور بودم از عقیده هیئتی که بنده مخبر بودم دفاع کنم پس این عبارتی که فرمودند نمی دانم چطور شد که آقای مخبر اینمطلب را ننوشته رد می کنم - بجهت اینکه آقای مخبر باید آنچه در کمیسیون تصویب می شود راپورت بدهد وفقط چیزی که در کمیسیون مطرح می شود مدافعه می کند و رأی خودش را اظهار نمی کند بعلاوه خوب بود این اشکال را در اینماده نمی فرمودند زیرا اینماده که خوانده شد تعیین پیشکاران وامناء مالیه را معین می کند و ازبرای رؤسای جزء دوایرمالیه باید یکماده دیگری ذکر شود و مطلب بروضح است بجهت اینکه هر ماده باید مطلبی را بپروراند والا مطالب زیادی را داخل در یکماده کردن صحیح نیست وآقای حاجی شیخ اسدالله اگر در اینماده فرمایشی داشتند خوب بود ابتداء اظهار می‌فرمودند زیرا اینماده درحضور خودشان تصویب شد باوجوداین اگر تجدید نظری برای ایشان حاصل شده است بفرمائید تابنده جواب عرض کنم واگر ماده العاقبه دارند بگذارند اینماده که تمام پیشنهاد کنند بعد داخل درمذاکره آن می شویم تمنا می کنم وقتی که تعیین پیشکاران و امناء مالیه معین می شود تکالیف رؤسای جزء دوایر مالیه را باهم دیگر داخل نکنند زیرا تکالیف آن ها خارج از اینموضوع است بجهة اینکه آن ها یك تکالیفی دارند که پیشکاران مالیه ندارند و بر عکس پیشکاران وامناء مالیه تکالیفی دارند که آنها ندارند وتکالیف تعیین رؤسای جزء دوائرمالیه راهم بموجب اینماده کمیسیون قوانین مالیه موکول به نظامنامه کرده است واز آن نظامنامه تکلیف تعیین آن ها معین می‌شود واینماده اشکالی نخواهد داشت.

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم سابقاً تکلیف وزیررا درمواد سابقه معین فرمودند که وزیر مسئولیت دارد وقتی که کسی مسئول امری واقع شد خوب است درمقدمات آن مسئولیت مختار باشد چنانچه درشور اول وثانی عرض کردم که اگر چنانچه این امور بتصویب خزانه داری باشد همان قانون نسخ شده ۲۳ جوزا بنظر مامی آید وعرض میکنم کسی که درامری مسئول باشد بایددرمقدمات آن امرهم مختار باشد.

مخبر - ابتداء باید عرض کنم برفرض اینکه این ماده تصویب نشود هیچ صلاح نمیدانم که یك نماینده بگوید این قانون ۲۳ جوزا خواهد بود بجهة اینکه یك عیب خیلی بزرگی پیدا خواهد کرد اگرچه این حرف برسبیل سابقه بود ولی نقداً حسنی ندارد که در مجلس یك همچو عبارتی گفته شود زیرا مطابق قوانین تمام دنیا مفسر قانون مجلس شورای ملی است وقتیکه در زمینهٔ قانون گذاری یك همچو حرفی گفته شد گمان میکنم شکل خوبی پیدا نکند وامیدوارم قانون ۲۳ جوزا دیگر گذارده نشود و این قانون قانونی است عادی ومعمولی وبا همدیگر مربوط ووزیر مالیه هم اختیاراتیکه در یك مملکت مشروطه باید داشته باشد دارد حتی یکقدری هم زیادتر پس وقتیکه این قانون ازمجلس بگذرد بقدر سرموئی نه از مسئولیت وزیر مالیه میکاهد نه مجلس میتواند این حرف را از وزیر مالیه بپذیرد وقانون بطوری کامل است که تماماً مسئولیت خودشان را دارند پس این قانون ۲۳ جوزا نیست و درست ملاحظه فرموده اید که مواد آن صریح است ومقصود برداشتن یاکاستن اختیارات وزیر مالیه نیست فقط از مدنظر این است که مأمورین وقتیکه تعیین میشوند روابط معینی با ادارات مختلفه که در تحت ریاست وزیر مالیه است داشته باشند چون بنده مکرر درمکرر دراین زمینه عرض کردم دیگر نمیخواهم تکرار کنم که چکارهائی پیشکاران مالیه دارند وچکارهائی برؤسای دوایر مرکز واگذار کرده اند وپیشکاران مالیه در چکارها باکدام ادارات طرف هستند ودر اینجا یك مطلب خیلی مهمی پیش میآید که قبلا و اساساً باید آن حل شود تاایشان بتوانند یك عقیدهٔ قطعی اتخاذ کنند بعضی ها شاید عقیده داشته باشند که بایدتمام اختیارات در یك جا مرکزیت داده شود مثل قانون ۲۳ جوزا وبگویند قانون ۲۳ جوزا هم اگراجرا میشد بخود آن قانون عمل میشد نتیجه‌اش این طور بد نمیشد وقانون ۲۳ جوزا بهانه بود برای خرابی نه باعث خرابی بهرحال شاید بعضی ها بگویند باید اختیارات دریك جا تمرکز پیدا کند منتها خزانه‌دار نباشد وزیر مالیه باشد در اینصورت خیلی از مواد این قانون برخلاف این اصل خواهد بود وبایدحذف شود ولازم است این مسئله را یاد آوری کنم که در اینماده دفعه سوم یاچهارم است که در مجلس آمده و در آن جلسه این ماده برحسب پیشنهاد آقای ناصرالاسلام برگشت بکمیسیون بشرط اینکه درحضور

نمایندگان دستجات مختلف مجلس تجدید نظر شود وهمینطور هم شد و تمام دستجات مختلف در این قانون نظر کردند وباتفاق تمام دستجات این ماده اینطور نوشته شد واین نتیجه اکثریت حاصل شده قبل از وقت مجلس است معلوم است این نظر آقای سلطان العلماء صحیح است ولی نمایندگان موافق نبودند که کلیتاً اختیارات در یك جا تمرکز پیدا کند وازاین نقطهٔ نظر لازم بود که این اختیارات یکطوری تقسیم شود که در موقع عمل زحمتی تولید نکند و درجه مسئولیت و اختیارات را هم نگاهد بنابر این اختیارات را تجزیه کردند واختیار پیشنهادرا بیك طرف دادند وتصویب را بطرف دیگر وتصویب کننده را مختار کردند در رد وقبول ولی بالاخره نظر باینکه لازم بود یك محل قاطعی موجود باشد و اختلافی که ممکن است مابین این دو نفر حاصل شود قطع کنند مطابق عقیده اغلب آقایان که میگفتند مجلس مشاورهٔ عالی باید تعیین پیشکاران مالیه را بنمایند همان نظررا تعقیب کردند ولی چون درمجلس مشاورهٔ عالی دوسه نفر بودند که ابداً مدخلیت دراین کاررا نداشتند مثلا رئیس محاکمات یا رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات یا رئیس فلان اداره چه نظری در تعیین پیشکاران میتوانند داشته باشد ؟

بالاخره این قسمت اخیر را که قطع اختلاف نظر بین خزانه‌دار ووزیر مالیه باشد بنظر آن هیئت مشاورهٔ عالی که مرکب است ازرئیس تشخیص عایدات ورئیس محاسبات وخزانه دار کل واگذار کردند این چند نفر مینشینند و اختلاف نظر را رفع میکنند اگر لیاقت داشته باشد معین میکنند ومعلوم است بااین ترتیب چون هردونظر ملحوظ شده اتفاق حاصل شده است خیلی صحیح است و هیچ ضرر ندارد و این مسئله هم ازنقطهٔ نظر اداری است ابداً ازاختیارات کسی نمیکاهد .

نایب رئیس - آقای مدرس مخالفید ؟

مدرس - بعد از فرمایش آقای سردار معظم دیگر عرضی ندارم مگر اینکه ماده ای که بعد در این ماده الحاق شود .

حاج شیخ اسدالله - همین قسمی که آقای مخبر فرمودند اینمطلب در کمیسیون مذاکره شد و نظریات مختلفه ملحوظ شد و جامع انظار شد باین معنی که نظریات مختلفه تماماً در آن ملحوظ شد و یك قسمتی نوشته شد که تماماً موافقت در این ماده کردند ولیکن وقتیکه این ماده نوشته شد یك قدر جامع دیگری هم درآنجا در نظر گرفته شد و آن تکلیف رؤسای جزء ایالات وولایات بود فرق نمیکند ماده مستقلی نوشته شود و یا ضمیمه این ماده شود درهرصورت باید درضمن این قانون تکلیف مامورین جزء معلوم شود و نمیشود موکول بنظامنامه داخلی کرد نظامنامه داخلی شرایط استخدام و تکلیف رؤسای جزء را معین میکند که باید بنظر که باشند پیشنهاد کننده وتصویب کننده کی است اینست که بنده این پیشنهاد را کردم اگر آقای مخبر اساساً این پیشنهاد را قبول دارند که بعنوان ماده الحاقیه و یا ضمیمه این ماده شود حرفی ندارم برای خاطر اینکه لازم است یك مطلب باین مهمی معلوم شود و تکلیف مأمورین جزئی ایالات و ولایات معین شود و نوشته نشود و رؤساء جزء برحسب پیشنهاد رئیس متبوع خود و حکم وزارتی معین میشوند در هرصورت باید تکلیف آنها درضمن این قانون معین شود خواه ماده الحاقیه باشد خواه درضمن این ماده باشد بنده نظریات خصوصی که حکماً باید در ضمن این ماده باشد ندارم فقط نظرم اینستکه تکلیف رؤساء و مامورین جزء ولایات معلوم باشد که کی باید پیشنهاد نماید و کی باید تصویب کند و بکلی بی تکلیف نماند ووقتیکه پیشکار مالیه میرود بداند راجع بمامورین جزء چه باید بکند وچه طرحی را اتخاذ کند .

مخبر - بنده باز هم تکرار میکنم که دراصل مطلب اظهارعقیده نکردم نه موافقت کردم ونه مخالفت فقط عرض کردم چون این مسئله دومطلب است اگر میخواهند ماده الحاقیه پیشنهاد کنند اگر اکثریت حاصل شد همانطور تصویب میشود والا رد میشود .

حاج شیخ اسدالله — ماده الحاقیه باشد فرق نمیکند .

نایب رئیس - پس میماند بعداز رای گرفتن درماده ۶۸ — خوانده میشود

پیشنهادی ازآقای حاج شیخ اسدالله رسیده قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ماده ۶۸ این قسم نوشته شود پیشکاران مالیه برحسب حکم وزیر مالیه معین میشوند و امنای مالیه برحسب حکم پیشکاران مالیه معین میشوند.

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمائید

حاج شیخ حبیب الله — غرض از تعیین پیشکاران مالیه اینستکه آنها بدانند مسئول کی هستند اگر قرار شد که وزارت مالیه مستقیماً آنهارا بفرستد مسئول او خواهد بود ومیداند عرایض را باید باو بدهند ولی درصورتیکه بدو وسه دسته باشند طبقه برای تعیین پیشکار وامین مالیه اختیار بدهند واگر موافقت نظر حاصل نشده جلسه شود اینهم برای وزیر مالیه وهم برای پیشکاران مالیه اسباب زحمت میشود مثل اینکه وزارت داخله حاکمیکه بیك بلدی میفرستد محتاج نیست باکسان دیگر که بهیچوجه اطلاع ندارند شور کند گمان بنده اینستکه خوبست بحکم وزیر مالیه باشد که هم پیشکاران تکلیف خودشان را بدانند و هم وزیر مالیه هر کسی را که صلاح ولایق میدانند مالیه یك ملکتی راباو بسپارند این راجع بپیشکاران مالیه بود که عرض کردم اما درباب امناء مالیه یك امین مالیه که از طرف خزانه‌داری بیك محلی فرستاده میشود مسئول آنمحل نیست پس بهتر اینست که پیشکاران مالیه امناء مالیه را معین کنند یعنی امناء مالیه برحسب حکم پیشکاران مالیه معین شوند چون پیشکاران که اشخاص رابهتر میشناسند آدمهای صحیح لایق ازبرای اخذ مالیات میفرستند که مالیه مملکت را حفظ کنند

مخبر - این پیشنهاد موافق همان رسم قدیم است که پیشکارهائی ازتهران میفرستادند برای ولایات وآنها هم امناء مالیه معین میکردند ولی دراین پیشنهاد تکلیف آنجاهائیکه پیشکار مالیه ندارند معین نشده چون بعضی نقاط هست که امین مالیه دارد و پیشکار ندارند.

نایب رئیس - پس قبول ندارید

مخبر - خیر

نایب رئیس - یکدفعه دیگر خوانده میشود رای میگیریم

(مجدداً قرائت شد)

حاج شیخ حبیب الله - باز توضیحی دارید ؟

حاج شیخ حبیب الله بلی - میفرمایند آنجاهائیکه پیشکار ندارد چه میشود آنجاهائیکه پیشکار دارد امناء مالیه برحسب پیشنهاد پیشکاران معین میشوند وآنجاهائیکه ندارند معلوم است باخود وزیر مالیه است .

نایب رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله راقابل توجه میدانند قیام نمایند

(کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - رد شد پس رأی میگیریم بخود ماده

وزیر مالیه - بنده تأیید میکنم رأی نماینده محترم را که تعیین تکلیف اجزاء جزء هم دراینجا بشود یادر ضمن این ماده و یا بموجب ماده علیحده در هر صورت لازم است و ضرر ندارد تکلیف آنها معین شود

نایب رئیس - رای میگیریم بماده ۶۸ باین اصلاحاتی که شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد که ماده الحاقیه رسیده یکی از آقای حاج شیخ اسدالله و یکی از آقای مدرس

(پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت شد)

ضمیمه ماده ۶۸ — رؤسای جزء ایالات وولایات پیشنهاد رئیس متبوع خودشان و تصویب وزیر بر قرار میشود

مخبر - این پیشنهاد از طرف دولت هم شده بود ولی نظر باینکه اشکالی از برای کمیسیون بود نتوانست در این باب یك مادهٔ معین بکند چنانکه مأمورین ولایات تماماً منحصر بمأمورین وصول نیستند رؤسای محاسبات رؤسای تحدیدتریاك وسایر دوایر هم هستند اینجا پیشنهاد شده است که مأمورین جزء را رؤساء آنها پیشنهاد کنند درخود اصل مطلب ایرادی نیست همینطور باید بشود که رئیس اداره پیشنهاد کند و حکم وزیر صادر شود ولی کدام اداره باشد پیشنهاد کند معین نیست دراینجا اشکال برای بعضی از اعضاء کمیسیون پیش آمد فرض بفرمائید رئیس اداره محاسبات خراسان یا شیراز را کی باید پیشنهاد کند رئیس اداره محاسبات کل که درمرکز است باید پیشنهاد کند یا پیشکار مالیه آنجا باید پیشنهاد کند؟ بنا بر این چون در یك ماده ممکن نبود این مطلب معلوم شود لهذا کمیسیون به نظامنامهٔ که در آنجا سایر مسائل راجعه بمستخدمین مالیه معین میشود ودر واقع یك قانون استخدامی است رجوع کرد ولی اگر میفرمایند باید ضمناً در اینجا معین شود ضرر ندارد ولی در هر صورت امروز دراین باب نمیشود رای داد و آقایان باید تشریف بیاورند در کمیسیون که در این باب

مطالعات زیادتری بشود بجهت اینکه برفرض دراینجا فقط تکلیف آنها معین شود بازرگائی نیست مسائل دیگری هم در زندگانی اداری هست که باید پیش بینی شده و از نظر کمیسیون قوانین مالیه بگذرد پس بنده تقاضا میکنم که پیشنهاد خودشان را بفرستند بکمیسیون و تشریف بیاورند آنجا ونظریات خودشان را بفرمایند اگر آقایان متقاعد شدند که پیشنهاد خودشان را پس بگیرند واگر متقاعد نشدند تکلیف معلوم میشود.

نایب انیس - آقای مخبر قبول میکنند برود به کمیسیون .

ماده ۷۴ قرائت میشود)

(بمضمون ذیل قرائت شد

ماده (۷۴) انفصال پیشکاران و امناء مالیه بسته بنظر وزیر مالیه است ولی اگر اداره پیشنهاد کند موافقت با انفصال مأمور مذکور نداشته باشد حکمیت قضیه بمجلس مشاوره عالی رجوع میشود.

معدل الدوله - بنده درمورد یك ماده که گذشت یك مشکل بنظرم آمد و یك یادداشتی هم فرستادم که خدمت آقای مخبر و چون آن ماده گذشت دیگر نمیتوانم نظر و عقیدهٔ خودرا در آن ماده عرض کنم ولی در این ماده موقعی پیدا شد که عرض خودم را بکنم راجع بپیشکار مالیه درماده که گذشت عقیده‌ام این بود که بموجب فرمان همایونی واز طرف هیئت دولت تصویب شود.

حالا در این ماده که راجع بانفصال او است موقعی پیدا کرده‌ام که عقیدهٔ خودم را عرض کنم این یك قانونی است که اساس آینده مملکت براین است بجهت اینکه ماممتقد شدیم که امور مالیه‌اش اساس تمام وزارتخانه‌ها وادارات است وتمام ادارات مملکت بسته بمالیه است بنده صلاح نمیدانم که انفصال پیشکاران مالیه را فقط منحصر بنظر موافقت یك اداره پیشنهاد کننده یعنی خزانه دار بکنیم بچندین دلیل یکی آنکه اگر درست دقت بفرمایند خواهند دانستکه پیشکاران مالیه که اسم میبریم فقط منحصر بچهار نقطه است فارس-خراسان آذربایجان — کرمان- چهار ایالت است که باصطلاح پیشکار دارند این پیشکاران که میروند باید لایق تر از خزانه‌دار وحیثیاتشان زیادتر وتجربه و اطلاعات آنها بیشتر باشد زیرا باید یك وسعت خاکی را اداره کنند که وسعتش مقابل باچندین برابر ممالك کوچك خارجه است مثلا آذربایجان چند برابر مملکت بلژیك است ودر آن موقع هم که بنده تأمل کرده عقیده‌ام همین بود و اجازه هم خواسته بودم و آقای نایب رئیس بخیال اینکه بنده موافقم رأی گرفته وگذشت حالا عرض میکنم کسیکه بموجب فرمان همایونی ازبرای یك کاری برقرار میشود مقتضی نیست که انفصال او فقط راجع باشد بنظر خزانه‌دار ومیل وزارت مالیه بنده عقیده‌ام اینست که انفصال پیشکاران مالیه را بنظر هیئت دولت ووزیر مالیه بگذاریم بهتر است.

مجد - اولا بطور مقدمه باید عرض کنم که ممکن است پیشکاران مالیه منحصر بچهار نفر نباشد زیرا این مسئله بسته بیك تقسیمات اداری خواهد بود؛ مثلا اصفهان یك جای مهمی است که نمیتوان بیك امین مالیه اکتفا کرد و طبعاً باید یك پیشکار مالیه فرستاد وهمچنین گیلان وخیلی از نقاط دیگر وچون این مسئله در درجه سوم واضح است فقط بطور اشاره عرض کردم بنده هم ممکن بود باین نظر آقای معدل‌الدوله موافقت داشته باشم اگر یك اشکالی برای من نبود اگر آن اشکال رفع شود بنده هم موافقم....

بلی منطقی اینست که هر کس برحسب حکمی که معین میشود بر حسب همان حکم منفصل شود اگر در تعیین پیشکاران مالیه لازم است فرمان همایونی صادر شود انفصال آنهاهم یعنی درجه آخر انفصال که انفصال قطعی باشد باید برحسب فرمان همایونی باشد موکول کردن بحکم وزراء نمی شود مگر اینکه قسمت اخیر ماده راحذف کنند و قطع دارم که خود آقای معدل الدوله قبول نخواهند کرد آن قسمت حذف شود برای اینکه بایك نظر صحیحی نوشته شده است و صلاح نیست حذف شود فرض بفرمائید انفصال پیشکاران مالیه را موکول کردیم بنظر هیئت وزراء در اینصورت ممکن است نظر پیشنهاد کننده با نظر دولت موافقت نکند آن وقت مطابق این ماده حکمیت قضیه بامجلس مشاوره عالی وزارت مالیه است وحکم آن را هم باید قطعی دانست و این خیلی غلط است که یك مجلس مشاوره استینافا حق رسیدگی در رأی هیئت وزراء داشته باشد وموافقت باهیئت وزراء نکند ومخالف باشد واین چیز غریبی می شود :

پس ازاین نقطه نظر این اشکال برای بنده باقی است اگر چه نظر آقای معدل الدوله در پیشنهاد خودشان باستحکام مأمورین دولتی است و البته در خدمات دولتی بدون استحکام هیچوقت نتیجه خوب گرفته نمی‌شود واین یکی از بدیهیات است که هر مأموری اعم از درجه پست یاعالی برای این که بتواند موفق باجرای اصلاحاتی که درنظر دارد بشود یکی از شرایط آن داشتن وقت است وزائد نمیدانم عرض کنم اینکه ما تابحال موفق نشده ایم اصلاحاتی بکنیم برای این بوده است که مصادر امور خیلی زود تغییر میکردند وبالاخره فرصت مطالعه درکار را نداشته‌اند پس معلوم است این پیشنهاد خیلی خوب است ولی این اشکال که عرض کردم وارد است اگر این اشکال رفع شود بنده هم عرضی ندارم .

مدرس — میخواستم توضیح بدهند اینجا که نوشته شده است (ولی اگر اداره پیشنهاد کننده موافقت با انفصال مأمور مذکور نداشته باشد حکمیت قضیه بمجلس مشاوره عالی رجوع می شود) پیشنهاد کننده مختلف است باید طوری نوشته شود که همه پیشنهاد کننده‌گان را برساند گمان میکنم اگر قبول بفرمائید که نوشته شود (اداره یا کمیسیون پیشنهاد کننده) رفع این محظور بشود .

مخبر - اگر چه این ماده ممکن است همان مقصود را برساند ولیکن بعقیده بنده بخلاف (اداره) مقصود حاصل می شود یعنی نوشته شود (پیشنهاد کننده) :

مدرس - بلی صحیح است.

معدل الدوله — بنده عرض کردم که اگر مذاکرات خودم را در ماده قبل عرض کرده بودم آقای مخبر قبول میکردند ولی حالا رفع اشکال ایشان را میکنم مجلس مشاوره عالی صورت استینافی پیدا نمیکند بنده با اینکه از آن نقطهٔ نظر پیشکاران مالیه باید حیثیت اداریشان محفوظ باشد باز خودم را راضی میکنم که در مورد تعیین نظر خزانه دار و نظر پیشنهاد کننده محفوظ بماند ولی در مورد انفصال چنانکه خودشان فرمودند همانطوریکه بموجب فرمان همایونی معین میشوند نمیشود طوردیگر آنها را عزل نمود و تصور میکنم مورد استیناف هم با هیئت دولت است و مورد اول نظر وزیر است :

وزیر مالیه حاکم است بر تمام اعضاء مالیه و امناء مالیه باید از طرف او معین شوند ولیکن در موقع انفصال پیشکاران خوبست وزیر مالیه نظر خود را با نظر رفقای خودش که وزرای دیگر باشند چون با وزیر مالیه در مسئولیت شرکت دارند موافقت بدهند پس از آنکه موافقت حاصل شد عزل آنها بدستخط همایونی می شود همچنانکه نصب آنها بفرمان همایونی بوده است چون بنده از تشکیلات وزارت مالیه اطلاع دارم عرض میکنم که برای ترتیب مدارج خدمات مجبور شدیم در کمیسیون بودجه دولتی یك مراتب و اصلاحاتی را قائل شویم لهذا مقرر شد که مملکت را بچهار ایالت تقسیم کنیم (چنانکه قانون اساسی هم مملکت را منقسم بایالات نموده) و مأمور مالیه هر ایالت را پیشکار نامیم و پیشکار را هم بسه درجه معین کردیم و مأمورین مالیه ولایات را امناء مالیه اسم گذاردیم و امناء را هم بسه درجه تقسیم کردیم که امین مالیه درجه اول از حیث مقام و رتبه و حقوق نزدیك به پیشکار درجه سوم است پس تصور میکنم اگر اختلاف حاصل شود آن مدارج ودرجات از بین میرود .

کاش این نظر را زودتر خدمت آقایان عرض میکردم حالا موقع تنك است و آقایان حاضر شده اند که رأی بدهند و باکمال دقت مطالعه کرده اند اما یك کسی را که میخواهیم بفرستیم یك مملکتی را که سه چهار کرور عایدات دارد (و امیدواریم زیادتر شود و بده کرور برسد)اداره کند این شخص باید حیثیتی داشته باشد که بداند باین زودی ها منفصل نمیشود و حیثیت او متزلزل نمیشود .

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل این جزء از فرمایشات آقای معدل الدوله نمیشوم که میفرمایند که در کمیسیون بودجه دولتی برای چهار ایالت پیشکار قرار داده اند و برای بقیه ولایات امین مالیه بجهت اینکه خارج از موضوع است و برخلاف عقیده بنده است و نظر خودم را اجمالا عرض میکنم وآن این است که نظر ایالتی وولایتی در حکام غیر از امور مالیه است نظریاتی که در کرمان شده است بواسطه وسعت اراضی کرمان و بلوچستان است و همچنین آذربایجان را که از نقطه نظر جغرافیائی وسعت اراضی آن زیاد تراست به ایالت تعبیر کرده اندولی در خصوص مالیه اینطور نیست برای خاطر اینکه مالیه اصفهان کمتر از مالیه کرمان نیست و اگرهم باشد یك تفاوت جزءی دارد بلکه میتوانم عرض کنم که تازگی مالیه اصفهان بیشتر از مالیه کرمان شده است پس نمیشود آنجا به پیشکار تعبیر کرد واینجا را به امین مالیه اما اینکه میفرمایند چون پیشکار مالیه بفرمان همایونی معین میشود بنا براین اختیار انفصال هم باید به نظر دولت باشد خوبست بفرمایند چون بافرمان همایونی بر قرار میشود انفصالش هم بفرمان همایونی باشد این دلیل مطلب نیست و ماده قبل گذشت و بعد از گذشتن ماده گمان میکنم هیچ جای صحبت نباشد زیرا ترتیب تعیین پیشکار و امین مالیه را درآن ماده معین کردیم که پیشکار مالیه برحسب پیشنهاد خزانه داری و تصویب وزیر معین میشود و اینکه میفرمایند رأی هیئت مجلس

مشاوره عالی حکومت برنظر هیئت دولت نداردخیلی ساده بنظر میآید بجهت اینکه اختیار انفصال را میفرمائید باهیئت دولت باشد هیئت دولت وقتی که میخواهد یك کسی را منفصل کند و مثلا بگوید پیشکار مالیه فارس منفصل است آنوقت با عدم توافق نظریات پیشنهاد کننده محاکمه میشود وقتیکه باید محاکمه شود حکمیت آن با هیئت مشاوره عالی است هیئت مشاوره عالی ممکن است برخلاف رأی هیئت دولت حکم بدهد این یك چیز خیلی خیلی غریبی بنظرمیآید با این تفصیلات بنده تصورمیکنم که همین ترتیبی که دراینجا نوشته شده خیلی خوبست و همان اشخاصی که پیشکاران مالیه را منصوب کرده اند خود آنها هم باید اختیار انفصال آنها را داشته باشند و در صورت اختلاف نظر بیك هیئت مشاوره اداری رجوع شود والا نمیتوان یك مسئولیتی رابعهده یك وزیری گذاشت وباو گفت که دروزارتخانه خودت هیچ اختیار نداشته باش چون آقای معدل الدوله فرمودند باید اختیار تعیین پیشکاران مالیه باهیئت دولت وانفصال آنهاهم باآن هیئت باشدپس این وزیری که مسئولیت بعهده او واگذار میشود چه کاره است این است که بنده این ماده را صحیح میدانم دیگر بهتر از این نمیشود نوشت که اختیار انفصال مستقیما با وزیرمالیه باشد ودرصورت مخالفت پیشنهاد کننده حکمیت آن بهیئت مشاوره اداری که آنهم درتحت ریاست خود وزیر منعقد شود رجوع شود وباین مسئله خاتمه بدهد

مخبر — بعلاوه درتکمیل فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله عرض میکنم که یك عیب دیگری هم دارد چون کارگذار ورئیس عدلیه ورئیس قشون کلیه این مامورین درعرض هم هستند وتفاوت ندارند وقتیکه وزیرامور خارجه میخواهد یك کسی رامنفصل کند میرود بهیئت وزراء؟ نه خیر خودش معزول میکند اهمیت کارگذار آذربایجان کمتر ازپیشکار مالیه آنجا نیست بلکه کارهایش مهم تر وبزرگتر است ودر اینجا فقط یك استثنائی است وراجع است بفرمانفرماها وجهة آنهم معلوم است بجهة اینکه مطابق قانون فرمانفرما ها حق نظارت درتمام ادارات دارند لهذا مثل این است که از طرف کابینه وزراء ماموریت داشته باشند مثل فرمانفرمای فارس و خراسان پس اگر اینجا این حرف را بزنیم منطقی است چون او مأمور بزرك دولت است و بایدبنظر دولت و هیئت وزراء معین شوند واین مطلب درباره سایر مأمورین صحیح نیست والبته باید واگذار کرد بنظر وزیر مسئول آن منتها این است که برای تجدید کار و فلسفه عدم اختیار و تمرکز باید گفت انفصال با وزیر باشد اگر پیشنهاد کننده موافقت نکرد رجوع بمجلس مشاوره عالی بشود که مثلا اگر وزیر مالیه اشتباهی کرده وخواسته است آن پیشکار مالیه را منفصل کند آن اشتباه رفع میشود واوهم منفصل نمیشود و در اینموضوع تصور نمیکنم زیاد باشد که بهیئت وزراء واگذار کنند و بنده هرچه فکر میکنم محسناتی دراینکار نمیبینم.

معدل الدوله- فقط قصد عرض من این بود و تصور میکردم که هیئت دولت در این مورد برای حفظ حیثیت مأمورین خود از پیشنهاد بنده دفاع خواهد کرد البته بنده تابع اکثریت مجلس هستم ولی یك مطلب مختصر را باید عرض کنم وآن این است که بنده انتظار داشتم آقای رئیس بفرمایند از موضوع خارج شده ام نه آقای حاج شیخ اسدالله وامیدوار بودم که آقای حاج شیخ اسدالله تکلیف ترتیب اداره مالیه راباینجا ندهند تشریف بیاورند در وزارت مالیه و ملاحظه بفرمایند که پیشکار امین مالیه چه چیز است ووظایف هر کدام چیست آنوقت در این موضوع بحث کنند آنچه که بنده تصور میکنم نظر آقای حاج شیخ اسدالله هیچ نظری نبوده جز مخالفت صرف با پیشنهاد بنده و دراین موضوع هرچه فرمایش کردند فقط مخالفت بود بنده نظری ندارم آن پیشنهاد هم خوانده خواهد شد وردهم بشود هیچ عرضی ندارم ولی بنده عرض کردم و گفتم که حفظ حیثیت مامورین یك مملکتی را باید کرد و پیشکاری که مالیه یك مملکتی را باید کرد و پیشکاری که مالیه یك مملکتی راکه چندین برابر یکی از ممالك خارجه است باو واگذار می کنیم نباید بگذاریم تمایل چند نفری بتواند اورا معزول کند و بنظر هیئت وزراء که در آن باب مشورت بعمل آید دارند بگذاریم که در آن مسئولیت شرکت

وزیرمالیه- در این موضوع که مذاکره شد بنده نمیتوانم باپیشنهاد آقای معدل الدوله مخالفت کنم برای اینکه وزراء تماماً (سلیداریته) دارند بهر اقدامی که وزارت مالیه بکند ناچار دریك همچو مسائل مهم باسایر وزراء تبادل افکار خواهد کرد و با ماده هم مخالف نیستم بدلیل اینکه شاید در آن موردهم موقع خیلی مهم باشد ووجود یك پیشکار مالیه اهمیت داشته باشد در آن صورت وزیر مالیه با رفقای خودش تبادل افکار خواهد کرده فقط چیزیکه میخواهم عرض کنم اینست که داخل در جزئیات مواد این قانون تشکیلات نمیشوم بعلت این که آقایان نمایندگان خیلی دقتها کرده اندوحسن وقبحش را سنجیده اندودلایل او را هم خوب میدانند فقط میخواهم عرض کنم که مالیه از مختصات مجلس است و وزیر مالیه مکلف است هرقانونی که از مجلس شورای ملی بگذارد اجراء کند بنده هیچ نمی توانم در مورد وزیر مالیه یا خزانه دار نظر شخصی داشته باشم ولی امروز لازم میدانم خاطر نمایندگان محترم رامستحضر کنم که این قانون درمجلس شورای ملی میگذرد قانون ۲۳ جوزا را در نظر بیاورند وبعضی چیزهائیکه لازم است درنظر بگیرند که در عمل دوچار مشکلات نشوند وزیر یك اندازه اختیار داشته باشد که بتواند از زیاده رویهائی که در خارج شده است جلوگیری کند وشاید بتواند وجود اشخاص را محفوظ بدارد که دوچار مشکلات نشود ومیتواند جمع خرج را توافق بدهد و بقبول بعضی ازمخارج که دراینجا لازم نمیدانم عرض کنم مجبور نشود لازم بود اینرا عرض کنم که نمایندگان محترم در نظر داشته باشند که چه قسم قانون میگذارند که طوری باشد دوچار مشکلات نشویم

مخبر البته نظر آقای وزیر مالیه را مجلس در دقت در تقلیل مخارج تقدیس وتصدیق میکند ولی قبل از تشریف فرمائی آقایان وزیر مالیه جمله را عرض کردم که مجبورم باز آنرا تکرار کنم وآن اینست که این قانون قانون بیست وسوم جوزا نیست وهیچکس نمیتواند بین این دو قانون مقایسه قائل شود یعنی آنکسانیکه درست دقت فرموده اند در دستور و حدودیکه برای ادارات وتأسیسات در این قانون معین شده است بهیچوجه نمیتوانند شباهتی بین این قانون و قانون ۲۳ جوزا قائل شوند و این نکته را هم لازم میدانم عرض کنم که این قانون قانونی نیست که یکنفر نماینده پیشنهاد کرده باشد اینرا هیئت دولت پیشنهاد کرده است ومعلوم است که نمایندگان دولت هم این قانون را از روی مطالعه پیشنهاد کرده اند واگر ایراد وقصوری که دراین قانون تصور شود نمیتوان از طرف نمایندگان دانست بعلت اینکه این قانون رادولت پیشنهاد کرده است نه نمایندگان اما راجع بخرج که آقای وزیرمالیه فرمودند بنده کاملا بانظر ایشان موافقم خرج گذشته بقدری مارا متنبه کرده که دردادن یك قران هم باید خیلی دقتهای فوق العاده بکنیم واین همان چیزی است که در این قانون کاملا منظور شده است درست دقت بفرمائید درقسمت خرج اختیار منفرداً بهیچکس داده نشده است و بقدری تنك ومحدود شده است که حد وحصر ندارد بدلیل این که از هراداره که حواله صادر میشود باید آن اداره چه درخود حواله وچه جهات صدور حواله دقت بکند این یکدرجه برای اینکه ازول خرجیها جلوگیری بشود ومخارج سابق تکرار نشود ماقائل بکمیسیون تطبیق حوالجات شدیم وبرای اینکه اعضاء این کمیسیون مثل سایر ادارات محکوم ومرئوس باحکام کس نباشد قائل شدیم که از طرف مجلس انتخاب شوند ومعتقد شدیم که تطبیق حوالجات که درتحت یك قرارداد وقانون معینه باشد برای اینکه درخرج کردن دقت کامل بشود این درجهٔ دوم بود درجهٔ سوم چه چیز است نظارت و امضای وزیر مالیه است که تا بامضای وزیرمالیه نرسد حواله نیست اگر کسی یك قران بدهد صحت ندارد این درجهٔ سوم ازدقت است که در خرج نشده و برای حوالجات اعتباری ولایات هم علاوه برتمام این دقت ها قائل شدیم که پیشکار مالیه بمجرد این که حکمی برسد مکلف دردادن پول نباشد و در آن حواله و متعلقاتش نظرداشته باشد که اگر یك حواله دارای شرایط معینه نباشد قطعاً و قویاً از پرداخت آن اجتناب کند ولو اینکه احکام متوالیه هم ازرئیس او برسد پس وقتیکه اینطور دقتها شده است دیگر اشکالی در کار نداریم در صورتیکه خودمان میدانیم که این دقتها درحوالجات اسباب تسهیل کار نخواهد شد مثلا وقتیکه یك خرجی پیدا شود تا وقتی که آن حواله بخواهد تمام آن مراتبرا طی کند دوچار اشکالات خواهد شد با این وصف تصور کردیم که در این مواقع که خیلی کم پیدا می شود تحمل این مشکلات را بکنیم و جلو ول خرجیها را بگیریم پس آنوقتی که درباب مخارج باید بشود کاملا شده است وعوض یکدرجه و دو درجه عرض میکنیم تا پنجدرجه تفتیش برای مخارج قائل شده ایم این نکته هم باید گفته شود که باید بقانون عمل کرد ممکن است یك قانون بهترین قوانین دنیا باشد وقتی کسی بآن عمل نکند و آنرا بموقع اجرا نگذارد ایرادی بر آن قانون وارد نیست باز هم عرض میکنم این قانون از مد نظر مخارج بقدری محکم نوشته شده که تصور نمیکنم محکمتر ازاین بتوان قانون نوشت

وزیرمالیه - در اینکه آقای مخبر فرمودند که این قانون را دولت پیشنهاد کرده است کاملا موافقم فقط چیزیکه در نظر دارم این است که

هیئت دولت حاضره یك پیشنهادی بر حسب تصویب ونظر تمام کلگها وهیئتها بر حسب مشاهده که در عملیات کرده بودند کرد و حالا داخل در آن هم نمی توانم بشوم و تکرار می کنم که البته هر طور مجلس شورایملی و نمایندگان محترم صلاح بدانند و قانون بگذارند هیئت دولت ووزیر مکلف باجرای آن هستند والبته اجراء میکنند و تکرارمطالبی را هم که در کمیسیون عرض کردم در اینجا نمیدانم ولیکن لازم بود عرض کنم بواسطه معایبی که در عملیات می بینم باید خیلی دقت شود و حالا چون شور دوم این قانون گذشته بیشتر از این نمیتوانم عرض کنم

مخبر - باز هم مجبورم که بعضی عرایض بکنم چون آقای وزیر مالیه اول داخل در قسمت خرج این قانون شدند بنده هم درآن قسمت عرایض خودرا کرده و نخواستم در قسمت دیگر که مخالفتی شده بود عرض بکنم ولی چون راجع بیك ماده اختلاف اشاره فرمودند بنده از دادن توضیح ناگزیر شدم بلی همین طور است که می فرمایند این قانون را زمان کابینه آقای مشیرالدوله پیشنهاد کردند میتوانم عرض کنم این قانون که قبلا از مجلس میگذرد بالایحهٔ که آقای مشیرالدوله پیشنهاد کرده بودند هیچ مغایرتی ندارد فقط مغایرتی که حاصل است اختلاف نظر با هیئت دولت حاضره است در باب تعیین پیشکاران و امناء مالیه هیئت دولت حاضره پیشنهاد کرده بودند که برحسب تصویب وزیر مالیه معین شوند و خاطر نمایندگان محترم مسبوق است که در شور ثانی کمیسیون هم این نظر را تصویب کرده وهمینطور هم راپورت داده بود ولی بعد مطابق فلسفه عدم تمرکز اختیارات در یك نقطه اعم از اینکه نقطه هر دو و در هر جاباشد بر حسب پیشنهاد یك نماینده محترمی آن ماده را بطریقی که گذشت نوشته اند و فقط اختلاف نظری که حاصل است راجع به تعیین پیشکاران و امناء مالیه است و این را تصدیق خواهند فرمود که در عمل آندرجه معایبی که تصور میشود و منظور نظر ایشان است حاصل نخواهد شد بلکه بهتراست که تعیین پیشکاران و امناء مالیه با چندین نظر مختلف باشد و البته شور در یك مبحثی اسباب تصحیح آن موضوع میشود و باعث تخریب نخواهد شد ولی چون که آقای وزیر مالیه در فرمایش اول خودشان این نکته را در نظر نداشتند فقط راجع بمخارج فرمودند بنده هم عرض نکردم این بود اختلاف نظری که مابین کمیسیون و هیئت دولت حاضره حاصل شد و بعقیده بنده این طور که نوشته شده هیچ ضرری ندارد .

حاج شیخ اسدالله — در عرایض بنده یك سوء تفاهمی شده است و آن این است که آقای معدل الدوله تصور فرمودند بنده عرض کردم ایشان خارج از موضوع شده اند درصورتیکه عرض بنده این نبود بلکه عرض کردم که اگر خودم بخواهم داخل درمذاکرات شوم خارج از موضوع است وبنده داخل دراین مذاکرات نمیشوم واطلاعات و تخصص ایشان را در امور مالیه کاملا تصدیق دارم و استدعا دارم کمتر این تصورات را بفرمایند .

نایب رئیس — چندفقره پیشنهاد شده است یك فقره از آقای ناصرالاسلام و یك فقره از آقای معدل الدوله و یکی هم از آقای مبصرالملك قرائت می شود :

(پیشنهاد معدل الدوله بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم انفصال پیشکاران مالیه بنظر وزیر مالیه وتصمیم هیئت وزراء است و انفصال امناء مالیه فقط بسته بنظر وزیر مالیه است ولی اگر اداره پیشنهاد کننده موافقت باانفصال مأمورمذکور الی آخر .

(پیشنهاد ناصرالاسلام باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷٤ این قسم نوشته شود انفصال پیشکاران و امناء مالیه بروفق همان درجاتی خواهد بود که برای نصب آنها در ماده ٦۸ باستثناء مراتب صدورفرمان مقرر شده است .

(پیشنهاد آقای مبصرالملك باینمضمون قرائت گردید)

پیشنهاد میکنم ماده ۷٤ این طور نوشته شود وزیر مالیه درصورتی که انفصال یکی از پیشکاران و امناء مالیه را مقتضی بداند بدواً بمجلس مشاورهٔ عالی رجوع نموده درصورت موافقت بحکم وزیرمالیه منفصل خواهند شد .

نایب رئیس- آقای معدل الدوله توضیحی دارید

معدل الدوله -- توضیح را قبلا داده ام .

نایب رئیس — رأی میگیریم در پیشنهاد آقای معدل الدوله آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند) قابل توجه نشد

(پیشنهاد ناصرالاسلام مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس- آقای ناصرالاسلام توضیحی دارید بفرمائید ؟

ناصرالاسلام — درموقعیکه در کمیسیون در موضوع انتخاب مامورین یعنی امناء مالیه که برحسب پیشنهاد خزانه دار معین شوند مذاکره شد آقای مخبر توضیح دادند وبنده را قانع کرد من جمله در کمیسیون فرمودند خزانه دار یك ماموری است که مکلف بتمرکز عایدات است و امناء مالیه باید باخزانه دار ارتباط داشته باشند یعنی بجهت وصول عایدات حتماً باید ازطرف خزانه دار معین بشود پس چرا درموقع انفصال این فلسفه را نباید مراعات کنیم در صورتی که این مامور مکلف است بر حسب دستور خزانه داری عایدات را وصول کند پس چرا انفصال اورا بخزانه داری مدخلیت نمیدهند ومیگویند که بموجب حکم وزیر باید منفصل شود بنده عرض میکنم همان فلسفه راکه در موقع انتخاب معتقد شدیم باید همان فلسفه را در موقع انفصال هم معتقد شویم فقط اشکالی که پیدا میکرد صدور فرمان همایونی بود که نمی توانستیم بگوئیم بموجب فرمان همایونی منفصل شوند مثل اینکه بگویند حکام وقت ویا رؤسای ادارات و ولایات باید بموجب فرمان همایونی منفصل شوند اینها یك چیزهائی است که بایستی مربوط بهمان اداره که منصوب شده اند باشد فقط بر حسب تصویب وزیر و ادارهٔ که مسئول است باید منفصل شوند حالا چرا انفصال امناء مالیه را اختصاص بخزانه داری میدهیم بهمان دلیل که برای نصب یك نفر نماینده خارجه یا مأمور دیگری آنقدر دقت نمی کردیم و برای مالیه قائل شدیم که روح مملکت است وخیلی باید دقت در انفصال او بکنیم تا یك اندازه زیادی نیست و این نحویکه هم آقای معدل الدوله پیشنهاد کرده اند بنده در آن پیشنهاد اشکالی مشاهده میکنم و آن اینست که اگر نصب آنها از طرف دولت پیشنهاد میشد وبتصویب هیئت وزراء بود بنده قبول می کردم ولی همان طوریکه در نصب او معتقد شده ایم باید در انفصال او هم معتقد شویم که بحکم هر کس که اورا نصب کرده است بحکم همان شخص منفصل شود حالا اگر یك اختلاف نظری دردفعه اول ودوم مابین پیشنهاد کننده و وزیر مسئول در نصب و انفصال پیدا شود آنوقت بنظر آن سه نفری که درتحت ریاست وزیر هستند واگذار کند وتصور میکنم دیگر اشکالی نداشته باشد ،

نایب رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارید ؟

مخبر — دراین موضوع پیشنهادهای متعدد شده است در صورتی که اگر درست ملاحظه کنیم خواهیم دید اصل مطلب یکی است واینماده مقصود را میرساند در اینصورت دیگر محتاج نیستیم یك پیشنهاد تازه بشود ولی چون امروزهم درکلیات این قانون رای گرفته نمی شود قبول میکنیم که این ماده بماند واین پیشنهاد ها بکمیسیون رجوع شود که با حضور آقایان در کمیسیون تجدید نظری شود شاید خودشان متقاعد شوند .

نایب رئیس - پس اینماده باقی میماند ماده الحاقیه قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

طرز تعیین و تغییر و شرایط استخدام مامورین مالیه در حدود قانون تشکیلات مطابق نظامنامه خواهد بود که وزیر مالیه ازتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد گذرانید

نایب رئیس - آقای مدرس مخالفید ؟

مدرس — آقای مخبر اگر یکقدری تامل بفرمایند این ماده الحاقیه گویا باآن ماده که بکمیسیون مراجعه شد بی ارتباط نباشد بجهة اینکه اگر او تصویب شود یك قسمت این ماده زیادی است و اگر او رد شود تصور نمی کنم این ماده الحاقیه محل احتیاج باشد لهذا چنانچه اورا قبول کردند خوبست این راهم قبول بفرمایند و برگردد بکمیسیون و با آنماده که برگشته است مطابقه بنمایند بعداز مطابقه وتجدید نظر دوباره بمجلس عودت بدهند

مخبر — بنده اصلاحی در اینماده الحاقیه بنظرم نمی آید زیرا مغایرتی باهم ندارند منتها این است که اگر آن تصویب شد طرز تفتیش معین میشود سایر ترتیباتش میماند اگر اینماده تصویب نشد آنوقت این قسمت اولش هم طبعا لازم میشود چون اینماده مختصر طرز تعیین و شرایطی است که باید در نظامنامه نوشته شود و خیلی از مسائل دیگری هم هست که در نظامنامه تشریح میشود .

لهذا عقیده بنده این است که ضرری ندارد که به این ماده رأی داده شود و هیچ مخالفتی با آن ماده ندارد

حاج شیخ اسدالله -اگر دراین ماده بطرز تعیین اجزاء جزء رای دادیم که موقوف بنظامنامه باشد آنوقت دیگر به این ماده نمی توانیم رأی بدهیم مگر اینکه این طرز تعیین و تغییر را حذف کنند تا اینکه برای استخدام مامورین مالیه ترتیبی معین بشود بنده مخالفتی ندارم اگر خواسته باشید قسمت آخر اینماده را رای بگیریم و اگر نمیخواهند اینماده

بهمین حال باشد و رای گرفته نشود تا آنماده که به کمیسیون رفته است تکلیفش معین شود و تصور میکنم تا تکلیف اینماده معین نشود نمی توانیم در اینماده رای بدهیم زیرا اگر تصویب شد دیگر طرز تعیین و تغییر که در آن ماده پیشنهاد شده موقع ندارد .

حاج عزالممالك - گمان میکنم گذشتن اینماده مخالفتی باآن‌پیشنهادنداشته باشدبجهت‌اینکه اینماده تصریح‌میکند حدود قانون تشکیلات رااین تصریح در حدود قانون‌تشکیلات است اگریك‌رایی هم در باب‌اجزاء جزء بدهیم مخالفت نخواهد داشت که درباب رؤسای جزء هم رای داده باشیم همین - طوری که درخصوص پیشکاران مالیه هم بعضی‌ترتیبات را معین کردیم که اشخاص چه طور و شرایطش چه چیز است این بواسطه این بوده است که بایستی این قبیل مطالب درتحت یك نظامنامه معین شود مثلایك آدمی که هیچ درامورات مالیه مداخله نداشته‌درحدود قانون تکلیف اوچه‌چیز است باین جهت بود که این مطالب راموکول بنظامنامه کردیم و همچنین نسبت برؤسای جزء زیرا اجزاء مالیه منحصر به پیشکاران مالیه یااماناء مالیه نیستندهمانطوری که آقایان‌پیشنهاد کردند و آن ماده الحاقیه راجع بامناء مالیه است ولی نظامنامه برای تحصیلدار ها و مستخدمین جزء خواهد بود برای منشی خواهد بود برای رئیس تعدیل خواهد بود این نظامنامه متعلق بآنها است بواسطه اینکه هر کدام از اینها درجات مختلفی دارند در عدلیه هم‌گویا قانونی که‌راجع‌باینموضوع باشد هست همینطور در باب مالیه هم باید قائل شویم یعنی ترتیبی برای طرز استخدام یا چیز های دیگر که اگر داخل شویم ممکن است صد ماده برای آن‌بنویسیم وباید نظامنامه‌ای را کمی‌نویسیم در حدودی باشد که‌این قانون معین میکندوجزءجزء مواد نظامنامه را ممکن نیست‌در قانون بنویسیم و نظریاتی که در طرز تعیین مأمورین و شرائط استخدام آنها هست و همین طور سایر مطالب در نظامنامه نوشته می شود که مثلا تعیین فلان آدم بخیال شخصی رؤسای ادارات یاوزیرمالیه‌نباشد

مدرس - اگر چه میخواستم بعضی از این عریض را در کلیات بکنیم لیکن لابدشدم که‌حالیه عرض کنم عقیده بنده این است که این‌قانون بسیار خوب قانونی است و امیدوارم که از این‌قانون فایده کلی برای مملکت حاصل شود بجهة اینکه آنچه‌که بنده عرض کرده‌ام واقعاً آقایان وکلاء یك نظر اختصاصی در آن‌قانون داشته که واقعاًقانون‌اساسی خوبی باشد و موجب راحتی مردم و اصلاح مملکت باشد بنده دوست دارم تتمه آن قانون هم این قسم بگذرد که هیچ مغایرتی در کار نباشد و کاملا با بیاناتی که‌آقای‌حاج‌شیخ‌اسدالله‌فرمودند موافقم که‌اگر طرز تعیین وتغییر رادر اینماده گنجانیدیم‌مذاکره‌مان در آن ماده یك قدری قشری خواهد شد این را خوبست آقای مخبر یا این دو لفظ را الغاء کنند و در باقی مانده مذاکره شود و رأی بگیریم یا اینکه اهمیت نداردنمایندگان هم موافقندچون‌اصلاح لفظی است این ماده هم بر گردد به کمیسیون تجدید نظری شود و بعد بیایدبمجلس و در ظرف پنجدقیقه مذاکره شده رأی گرفته شود در واقع اختلاف ،اختلاف‌لفظی است وخوبست در کمیسیون نظری شود

سردارمعظم - بنظر بنده‌هیچ مغایرتی‌حاصل نخواهد شد بجهة اینکه با گذشتن آن ماده هم طرز تعیین و تغییر نظامنامه معین خواهد شد ولی همانطوریکه فرمودند چون اختلاف اختلاف لفظی است و هیچیك ازنمایندگان‌با معنی مغایرتی ندارند بنده هم مضایقه ندارم که بکمیسیون برود و تجدید نظری شود

نایب‌رئیس - پس اینماده هم بر می گردد بکمیسیون ماده الحاقیه متعلق بآقای‌حاج عزالممالك است قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

ماده الحاقیه - طرز تعدیل و ممیزی مطابق نظامنامه خواهد بود که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد و تصویب کمیسیون قوانین‌مالیه‌خواهدرسید

حاج عزالممالك — بموجب یکی از موادیکه رای دادیم تعدیل و ممیزی را رجوع‌باداره تشخیص عایدات کردیم و البته اساساً این مسئله مربوط بهمان اداره تشخیص عایدات است‌ولی‌آقایان میدانند که طرز ممیزی‌و تعدیل تا بحال معمول‌نبوده و در بعضی جاها تازه شروع شده است و شایدخود بنده هم یك قدری در آن موضوع‌اطلاع دارم‌ولی اغلب چه از طرف مالکین و چه از طرف رعایا یك قدری اسباب شکایت شده بنده میخواستم یك قدری بالاتر بروم و بگویم طرز تعدیل وممیزی در ضمن‌یك‌قانونی‌نوشته‌شودو بمجلس بیایدوچون‌راجع‌خواهد بود به ممیزی کل والیته حالیه شروع یك ممیزی کل نمیشودکه حدود آنرا قانون معین کند ولی عجالتاً هم اگربکلی ساکت باشیم واین مسئله راقید نکنیم ممکن است آن اداره شروع بممیزی کند وبطور واحد بیك طرز در تمام جاها به ممیزی شروع‌شود این است‌که بنده قائل شدم که طرز این ممیزی هم در یك نظامنامه نوشته‌شود خواه در کمیسیون‌قوانین مالیه یاجای دیگر تصویب شود فرق نمی کند فقط نظر بنده این است‌که مطابق یك نظامنامه باشد که درحدود قانون ونظامات این تعدیل وممیزی شروع شود وطوری باشدکه تکالیف مردم واداره تشخیص عایدات در تحت یك قوانین ونظاماتی مقررشود.

مخبر- بنده قبلا از این پیشنهاد مسبوق بودم ومی پذیرم‌که این‌پیشنهاد برود به کمیسیون‌ودرآنجا نظری شود.

نایب‌رئیس- دیگر چیزی درقانون تشکیلات مالیه‌نیست‌تامواديکه به کمیسیون ارجاع‌شده بر گردد فعلا کاری نداریم.

آقای مؤید الاسلام از آقای وزیرمالیه سؤالی دارند آیا ایشان برای جواب حاضرند ؟

مؤید الاسلام- راجع به تظلمات امناءمالیه کرمان از مسیو لکفر بعضی اشخاص را برای رسیدگی معین کردند وابداً به تظلمات آنهارسیدگی نکردند فقط هشت هزارتومان ازآنهاگرفته‌میخواهم بدانم هشت هزار تومان جزء جمع دولت آمده است یاخیر ؟

وزیرمالیه- در موضوع پیشکار مالیه کرمان گمان میکنم سابقاً هم از طرف نمایندگان محترم آن محل اظهار شده بود و همچنین در آنموقع هم ازبعضی امناء مالیه سایر ولایات هم که‌مأمور بلژیکی داشت شکایات رسیده بود ولازم بود درآنها تغییری داده شود و پیشکار یا امین مالیه برای آن محلها معین شود ولی چون قانون تشکیلات مالیه ازمجلس نگذشته بود وتکلیف وزیر ورؤسای ادارات کاملا معین نبود وبعضی مسائل دیگر هم که میتوانم صاف و ساده عرض کنم موجب بعضی تهمتها شده بود هنوز از مملکت ما این مطلب مرتفع نشده بنده در این موضوع مقتضی ندیدم اقدامی بکنم ولی یك زمینهٔ حاضر کرده ام که پس از گذشتن‌این قانون درظرف ٥ روز بتمام این مطالب شروع‌شده و اصلاح‌میشود امادر موضوع این هشت هزارتومان که میفرمایند گرفته شده تحقیقات لازمه میکنم ودر مجلس دیگر عرض میکنم .

مؤیدالاسلام - صورت هشت هزار تومان‌را تقدیم کرده ام .

نایب رئیس - صورتش را دیده اند -آقایان ارباب کیخسرو هم از اداره مباشرت استعفاداده‌اند اگر آقایان موافق‌باشند جلسه را ختم میکنیم‌جلسه آتیه روز ٥ شنبه ۱۹-۳ ساعت بظهر مانده‌خواهد بود و دستور جلسه‌عبارت است از شور دوم‌درقانون پستی ولی از آقای مدرس و کمیسیون عدلیه که در مواد مجازات نظری دارند خواهش میشوددقت بفرمایند که زودتر از مجلس بگذرد و معطل نماند موادیکه از قانون تشکیلات‌مالیه ارجاع بکمیسیون شده آنهم اگر برسد جزء دستور خواهد بود

محمد هاشم‌میرزا - تجدیدشعب را هم‌را جزء دستور قرار دهید .

نایب‌رئیس بطوریکه فرمودید تجدید شعب هم جزء دستور خواهد بود

ناصرالاسلام - بنده در ترتیب جلسات که قبل از ظهر معین کرده‌اند عرض میکنم برای بنده خیلی‌مشکل است بعلاوه اگر از برای‌گرما وحفظ‌الصحه آقایان‌نمایندگان این منظور شده است‌باین ترتیبی که ما می آئیم به مجلس و تا ظهر می نشینیم بنظر بنده‌حفظ‌الصحه هم‌راعات‌نمی شوداگر آقایان‌موافقت‌داشته‌باشند جلسات‌عصرباشد بهتراست

نایب رئیس - این اظهاری بود که‌درجلسه قبل شده بود و مخالفتی هم نشده بود حالا اگر پیشنهادی‌داریدبفرمائید و این مطلب مذاکره‌زیادی لازم ندارد و مطلب مهمی نیست که مذاکره شود آقای ناصر الاسلام پیشنهاد میکنند جلسه آتیه را برای عصر پنج‌شنبه معین کنیم‌آقایانی که‌موافق‌هستند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب‌رئیس — تصویب‌نشد پس جلسه صبح ٥ شنبه خواهد بود .

وقار السلطنه — چون بنا بودکه‌تکلیف بنده و آقای ارباب کیخسرو یکدفعه معین شود خواستم ببینم دراستعفای خودشان توضیحی داده‌اند

نایب رئیس - استعفای کتبی آقای ارباب کیخسرو خدمت آقای رئیس است اینجا نیست که خوانده شود چون خودشان تقاضا کرده اند که این مسئله در مجلس گفته شود این بود که اظهار شد حالا اگر توضیحی دارند خودشان میفرمایند .

ارباب کیخسرو - بنده متجاوز از یکماه

است استعفای خودم را خدمت آقای رئیس داده ام ولی نمیدانم بچه علت‌آقای رئیس مقتضی ندانسته‌اند که خوانده شود ولی‌بواسطه بعضی ترتیبات ناگوار اداری که پیش‌آمده بنده نتوانستم تحمل کنم استدعا میکنم استعفای مرا قبول کنند .

نایب‌رئیس- کاغذی از کاشان راجع بتظلماتی که کرده اند رسیده است فرستاده میشود بکمیسیون عرایض که دقت کنند وبمتظلمین جواب بدهند .

مجلس یکساعت و یکربع قبل ازظهر ختم شد

جلسه ۴۴
صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ شهر رجب ۱۳۳۳

مجلس دو ساعت قبل ازظهر در تحت ریاست آقای معدل الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روزسه‌شنبه‌هفدهم قرائت‌شد

غائب‌بدون‌اجازه‌آقای امام‌جمعه

غائب بااجازه آقای حاج شیخ‌حبیب‌الله

نایب رئیس-آقایان درصورت مجلس‌نظری دارند (اظهاری نشد) نظری نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور دوم در قانون‌پستی تجدید شعب و شور در بقیه مواد قانون تشکیلات مالیه بود موافق اطلاعی که حاصل شده است هنوز بخبر کمیسیون قوانین مالیه نتوانسته اند بقیه قانون تشکیلات‌مالیه‌راحاضر کنندوبدستور جلسه‌بعدموکول میشود حالا شروع میکنیم بقانون پستی

حاج‌شیخ‌اسدالله - قانون شور اولش تمام نشده و اصولی که راجع بمجازات بوده بکمیسیون برگشت که درآنجا با موافقت نظر بعضی آقایان اصلاحاتی بشود و بمجلس بیاید و شور اول آن‌ها بشود آن اصلاحات هنوز نرسیده است نمیدانم حالا که داخل در مذاکره میشویم راجع بشوراول است یا اینکه‌بشور ثانی‌شروع میشود اگربخواهیم شروع بشور ثانی کنیم گمان میکنم چون شور اول‌تمام نشده‌مطابق نظامنامه میتوانیم داخل‌درشور ثانی بشویم

مدرس - عرض میکنم چند ماده که‌ازقانون پستی ارجاع بکمیسیون شد آن مواد را آوردند بکمیسیون عدلیه این چند روزه بواسطه اختلافی که در اوقات‌مجلس‌پیدا شد و مجلس بقبل ازظهر افتاد اوقات کمیسیون ها غیر منظم شد و چون کمیسیون عدلیه قبل ازظهر بوده منعقد شد مگر دیروز و در کلیات آن مواد مذاکره نشد آقای مخبرهم تشریف داشتندولیکن تطبیق این کبری برصغرویات هنوز نشده احتمال میدهم در یك یا دو جلسه دیگر تمام شود مقصود این بود که قصوری از جانب کمیسیون عدلیه نشده در یك یا دو جلسه دیگر آن مواد تمام خواهد شد و به مجلس خواهد آمد

منتصر السلطان -در این‌باب که اظهار شد چون‌شور اول‌تمام‌نشده نمیتوانیم امروز داخل شور دوم‌بشویم‌بنده‌خواستم عرض کنم‌فصل‌مجازات‌فرستاده شده بکمیسیون وآن فصل بعضی‌دیگر کاری ندارد آن‌فصل بکمیسیون عدلیه فرستاده شده که‌با حضور نمایندگان محترمی که پیشنهاد کرده بودند نظریاتی بشود وبا بعضی ازاعضاء کمیسیون وپست وتلگراف مشغول رسیدگی هستند لهذااگر مجلس قبول کند داخل درشور دوم‌بشویم ممکن است بنظامنامه هم رجوع‌شود که‌ببینم میشود یاخیر

مبصرالملك مخبر -بنده عرض می کنم قانون پستی‌شوراولش‌تمام شده‌بجهت اینکه دربعضی موادش که‌راجع بمجازات‌بود آقایان پیشنهاد کردند ورفت بکمیسیون ویك ماده‌اش راهم حذف کردند پس تصور میکنم شور اولش بکلی تمام شده و اشکالی ندارد .

نایب رئیس -اگر آقایان صلاح‌بدانند رأی میگیریم که داخل شور دوم مواد شویم یانه بجهت اینکه سابقه‌هم دارد که‌گاهی بعضی از مواد قانون برمیگشت بکمیسیون وداخل شور دوم میشدم حالا آقایانیکه عقیده‌دارند درشور دوم‌قانون‌پستی شویم قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس -اکثریت است .

(فقره اول ازفصل اول قانون پستی

بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل اول- اداره پست مکلف است که‌اولا کلیهٔ مسافرین وبنهٔ آنهارا باپست‌های مقرری و پست های فوق‌العاده حمل‌نمایند.

ثانیاً اشیاء مفصله ذیل رادرتمام مملکت قبول‌و حمل درتوزیع‌نماید:

پاکتهای معمولی

پاکتها و سایر اشیاء سفارشی و پاکتهائی که حاوی وجوه‌بیمه شده باشند

امانات‌پستی سریع‌السیر

امانات‌پستی بطئی‌السیر

کارتهای پستی

جراید و مطبوعات

مستوره‌های مال‌التجاره.

اوراق کار.

مراسلات راجع بادارات دولتی که‌مجاناً حمل‌و ونقل میشوند

ثالثاً-بروانی(مانداپست) بدهد که دردفاترپستی داخلهٔ‌مملکت تأدیه‌شود.

حاج‌عزالممالك - بنده درنظر ندارم که تابحال درمجلس ازقوانین فصل‌نوشته شده‌باشد فصل معنی‌ندارد موادنوشته شودبهتر است.

مخبر - کمیسیون هم این مسئله را قبول کرد ودر وقت نوشتن تصحیح میشود و مواد نوشته خواهد شد.

نایب رئیس - در فقره اول مخالفی نیست ؟ (اظهاری‌نشد)

در فقره ثانی آقایان نظریاتی دارند ؟ (باز اظهاری نشد) - درفقره سوم ملاحظاتی هست؟

حاج‌شیخ یوسف- چون‌در ضمن‌فصل اول درفقره دوم مینویسد :

ثانیاً اشیاء مفصله ذیل‌را در تمام مملکت قبول وحمل وتوزیع نماید

نایب‌رئیس -فقره‌دوم گذشت.

حاج شیخ یوسف -میدانم گذشت در فقره دوم نوشته است این‌اشیاء راقبول می کنند -درفقره سوم (بروانی بدهد) بنده هرچه فکر می کنم نمیفهمم (قبول) با(بدهد) چه مناسبت‌داردبنده‌گمان میکنم این‌هیچ معنی ندارد.

مخبر- البته آقایان میدانند که اداره‌پست‌پولی میگیرد و برات میدهد وچون پول راقبول میکند که برات بدهد باینجهت‌اینطور نوشته‌شده

آقاسیدفاضل-بنده‌خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که ترتیب بروانی که اداره پست خواهد داد که در دفاتر پستی تأدیه‌شود چطور خواهدبود بجهت اینکه بروات تجارتی در بلد داخله‌ایران مختلف میشود بعضی جاها حق الحباله میگیرند و بعضی جاها میدهند این بروات ازروی چه رویه و طریقه خواهدبود

مخبر- عرض میکنم این مطابق‌یك نظامنامه خواهد بود که بعد در اداره پست نوشته‌خواهد شد حالا معلوم نیست که‌به‌چه ترتیب دادوستد بروات‌می شود البته مطابق رضایت طرفین خواهد بود اداره پست ممکن است هیچ نگیرد و هیچ ندهدوممکن است یك چیزی بگیرد بهرحال این ترتیب مطابق نظامنامهٔ که مینویسند معلوم‌خواهدشد.

حاج شیخ یوسف- بنده باز تعقیب میکنم همان موضوعی را که عرض کردم وظیفهٔ پست قبول اشیاءمفصله ذیل است باعنوان کردن اینکه‌بروات بدهد هیچ ربطی بهم ندارد پس باید بنویسند قبول میکنند پول بگیرد و بروات بدهد والا برات بدهند یعنی قبول‌ندارد.

محمد هاشم میرزا - اگر ملاحظه بفرمائید هیچ محتاج به تصریح نیست این که نوشته یعنی قبول میکنند که بروات بدهددراین اشکالی نیست اما قسمتی‌که راجع بفرمایش آقا سید فاضل است که میفرمایند در باب صرف چه باید کرد آقای مخبر میفرمایند راجع بنظامنامه است بعقیده بنده مربوط بنظامنامه نیست صرف برات تجارتی‌هر روز یك ترتیبی دارد ممکن است در یك نقطه ۲ ماه یك‌صرفی داشته باشد ودر نقطه دیگر سه ماههم صرف نداشته باشد پس مربوط بنظامنامه نیست و از برای این‌مطلب نمیشود نظامنامه نوشت هرطوری که معمول است‌مطابق بروات تجارتی همانطور رفتار میشودبنظر بنده در تحت نظامنامه و قانون نمیشود آورد بجهت‌اینکه هرروزی تغییر میکند.

نایب‌رئیس - گویا مذاکره در این فقره کافی است - رأی میگیریم بماده اول این قانون آقایانیکه موافقند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند و ماده دوم

بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل دوم - ادارهٔ پست امتیاز اعمال ذیل را بطریق انحصار داراست:

اولا - حمل ونقل منظم و مقرر مسافرین وبنه آنها وحمل و نقل آنها بتوسط دستگاههای پستی فوق‌العاده در شوارع مملکت بوسیله دستگاهها یا گاریهائی که بقوهٔ حیوان حرکت میکنند منزل‌بمنزل مالهایشان عوض میشود.

ثانیا - حمل‌ونقل منظم و مقرر مسافرین و بنه مسافرین بوسائل میکانیکی از طرق بری و بحری مملکت که این وسائل وجود نداشته باشند و ادارهٔ پست آنهارا تأسیس نماید .

تبصره- انحصار حمل‌ونقل مسافرین واشیاءآنها